

یادداشتی از احسان اقبال‌سعید

زمان حفظ ام‌القرآ

نمی‌توان در نقش ام‌القرآ با ابر قدرت دنیای سرمایه‌داری مبارزه کرد، اما مناسبات اقتصادی را به تمامی به سرمایه‌داری و لیبرالیسم اقتصادی و تماماً اخلاق و مضرات آن واگذار کرد

یاداشتنی از عادل جهان‌آرای

به بهانه ۱۲ژوئن روز جهانی مبارزه با کار کودکان

کودکان مشغول کارند

«همدلی» به بهانه تشکیل دو جبهه جدید در ادوگاه اصول‌گرایان و اصلاح‌طلبان، عدم‌به‌اجماع رسیدن اصول‌گراها را بررسی کرد

ائتلاف‌های شکننده

عباس سلیمی‌نمین در گفت‌وگو با «همدلی» مطرح کرد:

نقش نسبی شورای نگرهبان در عدم اقتدار مجلس

یادداشت‌ا

تندروی در کشور به عادت تبدیل شده است

دغدغ‌های غیر از تلاش برای کاهش مشکلات آنها ندارند. البته مردم به خوبی می‌دانند، کارشکنی برخی از کارشناسان کار را دشوار می‌کند. در واقع یکی از مشکلات کشور ما، فعالیت گروه‌هایی است که به طور ملموسی با پدیده‌ای به نام رای مخالفت می‌کنند. مخصوصا اگر رای‌ها برای گروهی باشد که با منویات و نگاه خودشان در تضاد باشد. در واقع آنها همه هم‌وغم‌شان را به کار می‌گیرند تا نهادهایی که موجودیت‌شان را از رای مردم دارند، نتوانند در اجرای برنامه‌های‌شان موفق باشند. البته مشکل اصلی این است که وقتی گروهی در قدرت هستند و رای را قبول ندارند، دیگر کاری از کسی بر نمی‌آید، متاسفانه باید اذعان داشت‌مقابل‌ه با تحکات‌شان احتمالی محال به نظر می‌رسد

بالاخره مردم به حق انتظار دارند، مشکلاتی که زندگی را برای‌شان دشوار کرده است، روز به روز کمتر شود. شرح این شرایط نشان می‌دهد، اولویت همه دست‌اندرکاران نباید چیزی جزء تلاش و حمیت برای کاهش کاستی‌ها باشد. پس مسئولان حتما و قطعاً تنش‌ها و جدلهایی را که در سطوح مختلف حاکمیتی و مدیریتی به کرات مشاهده می‌شود باید کنار بگذارند تا بتوانند، همه هم‌وغم خود را به کار بگیرند، تا مساله‌های روز را به نوعی حل کنند. چرا که در غیر این‌صورت جامعه با حالتی پرتنش و به طور پررنگی ناامیدی و یاس مواجه می‌شود که همه می‌دانند، برگزاری یک انتخابات آزاد و کارآمد لازمه‌اش چیزی جزء جامعه‌ای شاداب و امیدوار نیست.

طبق نظرسنجی‌های انجام شده، مشخصا گرانی‌های روزافزون و درگیری ذهنی‌ای که برای عموم مردم به وجود آمده نشان از این دارد، توجهی که جامع به قاعده باید نسبت به تحولات پیرامون‌اش داشته باشد، نسبت به سال ۹۶ که انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم برگزار شد، به طور چشمگیری با افت مواجه شده است. پس تاکید مودک برای تصمیم‌گیران نمی‌تواند چیزی جزء بازسازی نشاط سیاسی باشد، تا شرایط، شرایطی مساعد و برای برگزاری انتخاباتی پرشور و کارآمد باشد.شرح این شرایط این پرسش را طرح می‌کند که توجه به چه پدیده‌ها و نیایدهایی می‌تواند در تحقق امر مهمی چون فضای مطلوب لازم است که در پاسخ باید تلاش شود تا مردم به این ذهنیت برسند که رای‌شان مهم و اثرگذار است و بدانند که منتخبن‌شان بعد از انتخاب شدن



■ مرتضی مبلغ

■ معاون سیاسی

وزارت کشور دولت اصلاحات

مشکلاتی چون به‌هم‌ریختگی وضعیت معیشت که موجب شده تا آحاد مردم از شرایط به وجود آمده ابراز نارضایتی کنند، آن‌هم در سالی که کشور انتخابات مهمی را پیش‌رو دارد، قطعاً نمی‌تواند در کاهش حضور حداکثری مردم در پای صندوق‌های رای بی‌تأثیر باشد. مخصوصا که همه می‌دانند، برای برگزاری انتخابات در شرایطی مطلوب، لازم است فضای سیاسی و اجتماعی فضایی سالم باشد تا اعتماد در جامعه به بالاترین حد ممکن خودش برسد.

بالاخره مردم به حق انتظار دارند، مشکلاتی که زندگی را برای‌شان دشوار کرده است، روز به روز کمتر شود. شرح این شرایط نشان می‌دهد، اولویت همه دست‌اندرکاران نباید چیزی جزء تلاش و حمیت برای کاهش کاستی‌ها باشد. پس مسئولان حتما و قطعاً تنش‌ها و جدلهایی را که در سطوح مختلف حاکمیتی و مدیریتی به کرات مشاهده می‌شود باید کنار بگذارند تا بتوانند، همه هم‌وغم خود را به کار بگیرند، تا مساله‌های روز را به نوعی حل کنند. چرا که در غیر این‌صورت جامعه با حالتی پرتنش و به طور پررنگی ناامیدی و یاس مواجه می‌شود که همه می‌دانند، برگزاری یک انتخابات آزاد و کارآمد لازمه‌اش چیزی جزء جامعه‌ای شاداب و امیدوار نیست.

طبق نظرسنجی‌های انجام شده، مشخصا گرانی‌های روزافزون و درگیری ذهنی‌ای که برای عموم مردم به وجود آمده نشان از این دارد، توجهی که جامع به قاعده باید نسبت به تحولات پیرامون‌اش داشته باشد، نسبت به سال ۹۶ که انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم برگزار شد، به طور چشمگیری با افت مواجه شده است. پس تاکید مودک برای تصمیم‌گیران نمی‌تواند چیزی جزء بازسازی نشاط سیاسی باشد، تا شرایط، شرایطی مساعد و برای برگزاری انتخاباتی پرشور و کارآمد باشد.شرح این شرایط این پرسش را طرح می‌کند که توجه به چه پدیده‌ها و نیایدهایی می‌تواند در تحقق امر مهمی چون فضای مطلوب لازم است که در پاسخ باید تلاش شود تا مردم به این ذهنیت برسند که رای‌شان مهم و اثرگذار است و بدانند که منتخبن‌شان بعد از انتخاب شدن

گزارش کاشت تریاک در جنگل‌های فارس

بوی تریاک از بلوطستان

نماینده مجلس کشت تریاک در جنگل‌های فارس را تایید کرد



چهارشنبه ۲۲ خرداد ۱۳۹۸ - ۸ شوال ۱۴۰ - ۱۲ ژوئن ۲۰۱۹ - سال پنجم - شماره ۱۱۷۲ - ۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان

یادداشتی از مرتضی مبلغ :

تندروی در کشور به عادت تبدیل شده است

از آنجا که تندروها در لایه های قدرت و حتی حاکمیت حضوری جدی دارند، رویارویی با آنها نیازمند اهمتامی ملی و اراده ای جدی است



اسدالله بادامچیان در گفت‌وگو با گروه تاریخ «همدلی» :

رویگرد بازاریان مولفه تعاملی بود

اعدام رسانه‌ای یک متهم

■ فروزان آصف نجعی

■ روزنامه‌نگار

یکی از ایرادهای اساسی جوامع عقب نگاه داشته شده، قضاوت و به ویژه قضاوت ناپهنگام است. در ماجرای قتل میترا استاد، این سناریو در اوج خود به نمایش درآمد. ابتدا خبرنگار صدا و سیما در یک حرکت نشانیه و بسیار محیرالعقول، آلت قتاله را از موقعیت دسترسی ممنوع، یعنی نگهداری آلت قتل، در پلاستیک مخصوص نگهداری آلت جرم خارج کرد، و در انتظار عمومی، تمامی مدارک پنهان روی آلت قتاله اعم از اثر انگشت و غیره را از بین برد. دوم آتش تهیه مدیریت شده که جشن برگزاری یک قتل بود، به سراسر ایران به صورت تصویر و صوت مخابره می‌شد. برای نخستین بار متهم بدون هیچ قیدوبندی در برابر خبرنگاران قرار می‌گرفت بدون آن که ممنوعیتی در این باره مشاهده شود. در مرحله بعد گمانه‌زنی‌های مختلف آغاز شد. گمانه زنی‌هایی که تنها مستند به آنچه در صداوسیما آمده، پروبال گرفت و به شبکه‌های اجتماعی سرایت کرد. اما خنجر نهایی بر پشت دوست، توسط یارن آقای نجفی یعنی تیم کارگزاران وارد شد. آنان سراسیمه استین‌ها را بالا زدند که از دوم آتش تهیه بودیم که فلاتی نباید شهردار شود. به دنبال آن دوجبهه سیاسی در اردوگاه اصلاح‌طلبی بر اساس پروژه روزنامه سازندگی شکل گرفت. این روزنامه با موضع‌گیری خود، بیانگر و تبیین‌گر مخالفان و موافقان شهر داری نجفی و پیامدهای عدم توجه به اخطارها شد. که در عکس‌العمل به پرونده جنایی این گونه بی‌صراحت است که با اختیار، متهم را به جوخه ادامه یافت. اما هر دو گروه موافق و مخالف در جبهه اصلاحات، توان صبر و ملاحظه مسایلی انسانی و توجه به ملاحظات اساسی‌تر حقوق متهم، و همچنین احساسات جریحه‌دار شده جامعه را نداشتند. من به این بخش نمی‌پردازم که برخی مسایلی مطرح شده توسط متهم، منجر طرح مسایلی امنیتی نشد. به هر روی با توجه به التهای ایجاد شده، از سوی مراجع قضایی دست‌نور به ممنوعیت اطلاع‌رسانی از سوی حتی وکلای متهم صادر شد. حالا، در برابر دهها هزار سیاهمنووسی مطبوعات و دهها هزار سیاه‌گویی صدا وسیما، متهم بدون توان دفاع از خود، در معرض قضاوت روشنفکران همفکر و هم‌حزبی‌های سابق خودش قرار گرفته است. در اینجا اصلا نمی‌خواهم بگویم کسی در صدد انتقام‌جویی بوده است. ولی آیا مردم نسبت به سطح رفتار سیاسی و نظام اخلاقی دوستان دیروز و دشمنان امروز متهم که در عکس‌العمل به پرونده جنایی این گونه بی‌صراحت است که با اختیار، متهم را به جوخه اعدام رسانه‌ای در افکار عمومی می‌سپارند، اعتماد خواهند کرد؟ آیا افکار عمومی می‌پذیرد که برای رسیدن به هدف به هر وسیله‌ای متوسل بشویم. اما نکته مهم‌تر در باره شیوه روزنامه‌نگاری زرد در ایران است. آیا اسلام از منظر ارزشی اجازه می‌دهد افراد حزبی و .. نسبت به فرد سیاستمداری که موافق شرع عمل کرده، و مانند بسیاری دیگر دارای بیش از یک همسر بوده، تجسس کرده، از یک سسو به نظام خبرنگاری زرد و اصطلاحا سبک روزنامه‌نگاری مبتنی بر گزارش باپارازی‌ها دامن بزнім، و از سوی دیگر در نظام کنکاش در حوزه خصوصی را علاوه بر تجسس‌های امنیتی که نظام وحشت و سرکوب استالین اعمال می‌کرد، شرایط نقض حقوق بشر، و نقض حقوق شهروندی را فراهم کرده و به حوزه نظام رسانه‌ای تسری دهیم؟ (پاپاراتزی Paparazzi)واژه‌ای ایتالیایی است که به عکاسان سمجی که به‌ویژه به زندگی ستارگان سینما و سیاستمداران و .. سرک می‌کشند و مخفیانه از زندگی خصوصی آنان عکس می‌گیرند اطلاق می‌شود) بی‌تردید این موضوع از کم‌سوادی رسانه‌ای و عدم آگاهی از نظریه‌های رسانه‌ای نشأت می‌گیرد که با جمع‌آوری عکس‌های منتشر شده در صفحه اول چند رسانه، آن را ملایکی برای حقانیت عملکرد خود قرار بدهیم. همچنین عملکردی که شرح آن رفت، اساسا مخالف با اصل بی‌طرفی در روزنامه‌نگاری و حقوق متهم استکه در حال حاضر توانمندی دفاع از خود را ندارد. ای کاش روشنفکران چه له و چه علیه از عهده تشخیص میدانی که صداوسیما برای آن باز کرده بود، بر می‌آمدند، و تا طرح همه مسایلی در دادگاه، و صدور رای صبر می‌کردند و این گونه چنگال بر وجدان جامعه نمی‌کشیدند و مانند آن دسته از نویسندگان چون عباس عبیدی عمل می‌کردند که هم در باره حقوق مقتول و به‌ویژه حقوق متهم می‌پراختند و شرایط پیش آمده را به تحول در نظام دادرسی ختم می‌کردند.

یادداشت ۲

زمان حفظ ام‌القرآ



■ احسان اقبال‌سعید

■ روزنامه‌نگار

بخش گسترده‌ای از ذهنیت مردمان خاورمیانه و تحلیل‌گران جهانی حول مدار انتهای تنش میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده به خود مشغول کرده است. نواها و باورها در این باره گوناگون است، از احتمال یک جنگ تمام‌عیار یا پایین آمدن لهیب آتش، مواجهه دوسر طیف تحلیل‌ها را تشکیل می‌دهد. در این میانه برخی کشورها هم قصد میانجی‌گری و ترمیم روابط یا کاستن از تنش را دارند که البته میان این گروه از بازیگران هم انگیزه‌ها متفاوت است. گروهی در پی آنند که با پوشیدن ردای پیر خیراندیش اعتباری برای سرزمین خود کسب کنند و ذهنیت موجود از کشورشان در فضای جهانی را از بین ببرند و شائبتهی افزون‌تر برای خود دست و پا کنند. عراق می‌خواهد سیمای سرزمین درگیر نزاع‌های قومی – مذهبی و نفیر بمب و خون را با قامت یک میانجی مقبول و مسئول میان یک ابرقدرت جهانی و قدرقدرت منطقه‌ای جایگزین کند. عمانی‌ها که مهم‌ترین و باپرستیزترین نقش جهانی‌شان واسطه‌گری ومیانجی‌گری‌است. ژاپن هم می‌خواهد پس از جنگ جهانی دوم که با تسلیم تمام‌عیار و تعظیم مودبانه شرقی در برابر ژنرال‌های آمریکایی بود و حتی از داشتن ارتش هم محروم شد از یک تولیدکننده کالای باکیفیت و همراهِ درون‌گرای ایالات متحده به نقشی جدیدتر و با پرنسیپ‌تر هیوط کند و نقش مهم‌تری در عرصه‌های غیراقتصادی داشته باشد. فارغ از نیات میانجی‌گران یک‌نکته باریک‌تر: ز مو را می‌توان به یاد آورد و آن اینکه میانجی‌گری در میان طرفینی معنا دارد که دیدگاه‌اندکی با بیش از آن به هم نزدیک شده باشد و تنها رودرپایستی و دعوای‌های شائبتهی یا کارکرد داخلی حفظ نزاع در داخل مانع گفت‌وگوی مستقیم است و میانجی نقش رساندن به یکدیگر و کاهش تنش را بر عهده می‌گیرد، اما در نزاعی که طرفین حتی بر سر نقطه شروع بازی هم اتفاق ندارند دم از نزاع ماهیتی و کارکردی می‌زنند، میانجی‌گری احتمالا نقش پررنگی نخواهد بود.دستگاه دیپلماسی درکنار ارکان نظامی کشور منطقی‌ترین راه ممکن را در این تقابل در پیش گرفته‌اند. توان‌مان بر توان کشور برای دفاع در عین شروع کننده‌نبودن تاکید کرده‌اند. یک‌نکته مهم که نباید مورد تغافل قرار بگیرد این است که تقابل میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده یک نزاع ابدیست و این که گمان شود یک معاهده، یک توافق و یک دیدار و پینگ‌پنگ مشابه کار هنری کسینجر و چین کمونیست پایان همه کنورت‌ها و آغاز فصل پسرخالگی است، بیش از حقیقت به اوهام می‌ماند. اگر کمی به عقب بازگردیم هم مشاهده می‌کنیم که توافق الجزایر برای آزادی دیپلمات‌های آمریکایی در ایران پس از ۴۴۴ روز و همین‌طور ترکیب کیک، انجیل و کلت مک‌فارلین تا برجام... هم تنها پایان یک فصل و منفذی تا شروع فصل بعدی بوده‌اند. انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ و استقرار یک نظام مبتنی بر روایت تجدیدنظرطلب و دینی در ایران موجب متفاوت شدن نوع مواجهه تهران با واشنگتن و اذنباش در منطقه شده است. تهران

^[1]
^[2]